

دنیا از دیدگاه اسلام

۹ - يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا أَمْوَالَكُمْ وَلَا أَوْلَادَكُمْ

عَنِ ذِكْرِ اللَّهِ وَهِيَ تَفْعَلُ ذَلِكَ فَاتُكِّمُ هُمُ الْخَاسِرُونَ .

ای افراد ایمان! اموال و فرزندانان ، شما را زیاد خدا یاد ندارند ، کسانی که چنین کنند ، زیانکارند .

۱۰ - وَاتَّبِعُوا مِمَّا رزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ

يَقُولُ رَبِّ لَوْلَا أَخَّرْتَنِي إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ فَأَصِلِقُ وَإِنَّ مِنَ الصَّالِحِينَ

: ال (مؤمنانی) که پیش از این دنیا را نخواستند ، پیش

از آنکه مرگه یکی از شما را فرستد و یا سعادتمند بگویند و در گذارند

چرا (بمن بخت ندادی) و اجل مرا تا مدت کوتاهی تأخیر نپنداختی

تا (از اموال خود) در راه خدا بچشم ، و از تو بگو گذار از تو

۱۱ - وَلَنْ يُؤَخِّرَ اللَّهُ نَفْسًا إِذَا جَاءَ أَجَلُهَا وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِيمَا

تَعْمَلُونَ .

: (ولی بدانید) هنگامیکه مرگ کسی رسد ، خداوند اجل

ویدانند تأخیر نمی‌بخشد ، خداوند به اعمال که انجام میدهد آگاه

است .

جای گفتگو نیست که تروت دنیا و امکانات مادی اموال خوشبختی انسان است که

در سایه آن نتواند رضای خداوند را بدست آورد ، و خود را از جنگل یک سلسله صفات نکوهیده و اعمال ذلت و تنگین نجات دهد .

یک فرد دشمن در سایه قدرت مالی میتواند قهرمان از محیط خود برآید ، و به دستگیری بنویسند و در سایه گان سر و سامانی بخشد ، و انگهی میتواند حریت و آزادی و علمت و مناعت طبع خود را در سایه بی‌نیازی از مردم بطرز صحیحی حفظ نموده ، و برسد و بواسطه این صفات عالی انسانی کمک نماید .

ولی در برابر رفاه و بیولای و حسرت‌های فقره ، بدبختی و بیچارگی ، سلق و چاپلوسی ، بردگی و نوکری کمک نموده ، و غالباً انسان را در سجنه زندگی یک آلت بدون اراده میده سازد .

علل پادای اجتنابها و عقابتهای اجتماعی ، سقوط گروهی از دختران و زنان در متحلاب فساد ، قتل و بیارتمندی است ، اگر چه برخی از این اعمال غیر انسانی ، علی‌غیر از قتل و بیعتی نیز دارند .

بر جهت نیست که قرآن مال را یکی از بزرگترین نعمت‌های الهی دانسته و آن را از بهترین کمکها معرفی مینماید ، چنانکه میفرماید : **وَمِمَّا كَسَبْتُمْ أَمْوَالًا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ فَأُولَٰئِكَ الَّتِي كَسَبْتُمْ هِيَ الَّتِي تُقْبَلُ** : خداوند شما را در سجنه زندگی با اموال و فرزندان کمک میکند .

پس ای مردم اگر در برابر گروهی که از منطبق واقعی اسلام آگاه نبوده ، فقر و تنگدستی را بر نیست و تروت و توجیح میدادند ، چنین میفرماید : **نِعْمَ الْعَوْنُ عَلَىٰ تَقْوَىٰ اللَّهِ الْغَنَىٰ (۱)** مال دنیا بیشترین کمک برای پرهیز گاریست زیرا چنانکه گفته شد یک چنین افراد غالباً از یک نوع صفات محمود و اعمال نیکین مصونیت پیدا میکنند . و در سایه ممکن ، انگیزه این کارها در آنها پدید نمیآید .

اما کدام مال و کدام دنیا ؟

مالی که در طریق تأمین سعادت خویش و محیط زندگی بکار آید ، و گروهی را از بدبختی و فلاکت نجات بخشد ، و قبول اسیر مؤمنان هنگامیکه چشم به کاخ مجلل علاءین زیاد افتاد و این کاخ وسیله سعادت است اگر در آنجا از نعمات و از خویشاوندان پذیرائی بعمل آمده (۲) دنیائی که در آنجا اشباع غر از و فریفتن در شهوات ، و نیل به لذات و افزودن در شماره کاخها ، ... و سعادت هدف اساسی در دنیا بد تا آنجا که جز حسد ذات و علاقه به لذت هدفی در

(۱) سنن لایحضره الفقیه ص ۳۵۳ .

(۲) هیچ الیالغه خطبه ۲۰۷

کار باشد.

دنهایی که در آنجا مال و فرزندان ما را از یاد خدا و سرای دیگر باز ندارد، و در تقییر این صورت چنین دنیا جز خسران و ضرر چیزی نخواهد بود.

نکنه بارز در آیه نهم اینست که هرگز دستور ن میدهد دنیا را دنیا نرویم و سیر نماید پس کسب و کار نرود، بلکه در مقام بیان نظر خود در باره دنیا کلمه «لا تلهکم» بکار برده یعنی دنیا شما را از یاد خدا و سرای دیگر باز ندارد و مشغول سازد. (۱)

و علت اینکه این فرد دینکار است، اینست که نیروهای حسنی و روحی خود را در جاهای مصرف کرده که پس از سپری شدن عمر، با او همراه نخواهد بود، و با او وداع خواهد کرد، و در سرای دیگر که مورد تصدیق افراد با ایمان است، زمانی از آن بهره نخواهد برد.

امیر مؤمنان با جمله کوتاه و ریاضی درباره دوزخ (ممدوح و مبنوس) چنین می فرماید: من نظر بها بصر ته ومن نظر إليها اعمته (۲) کسی که بعد دنیا از دریچه وسیله بنگرد و آنرا وسیله سعادت و رفاه خود در دوجهان بداند او را بنگازند، و شخص که آنرا هدف قرار دهد و بعنوان هدف به آن نگاه کند، او را ناپایدارند، زیرا کسب که سیم و زر، کاخ و ویلا برای او هدف باشد در راه به دست آوردن و از رفتن تعداد آنها، حق و عدالت و انصاف و اصول انسانی و اخلاق را نادیده گرفته، و هیچ پاسخی استقامت نکند.

امکان تأخیر نیست

افرادی که درباره هدف اصلی خود فکر نمیکنند، و من لحظات مرگ آنها فراموشند، و احساس میکنند که از این ترویج که در راه گرفته اند، آن دنیهای توان فرسائی کشیده اند سودی در سرای دیگر نخواهند برد، آرزوی تأخیر اجل نمینمایند که اموال خود را در راه خدا انفاق کنند و از این طریق توشه ای برای جهان دیگر بگردانند.

ولی آنها از یک سنت قطعی *الموت غلطی و اوجها سکنی* تأخیر اجل امکان ندارد، زیرا افراد رسیدن مرگ نشانه اینست که تمام استعدادها و قوای باطنیه، و سیریش در این جهان به پایان رسیده است، و چنانکه میوه رسیده باید از درخت گند شود، روح نیز پس از سیر نهایی خود باید بدن را ترک گفته، و گام در سرای دیگر بگذارد.

(بقیه در صفحه ۱۲)

(۱) و در جای دیگر نیز میفرماید: رجال لا تلهیهم تجارة ولا بیع عن ذکر الله (نور ۳۷):

مردانی که دادوستد آنها را از یاد خدا باز نماند.

(۲) نهج البلاغه خطبه ۸۰

است. این معبد از زیباترین و کاملترین معابد رومی در شبه جزیره اسپانیا است. در شهر ساردده، نزدیک معبد رومی و تماشاخانه عظیم رومی که آتش از شکوه و عظمت است، دیده میشود. در شهر ساجنتوم از نواحی دلتا سیبه نیز یک تماشاخانه کامل رومی موجود است که همان حال باقی است.

مسلمانان قرن‌ها در این مراکز فرمانروائی داشتند و هیچ فکر ایجاد این آثار باستانی نیافتادند. علت آنهم روشن است. زیرا مسلمانان با اندیشه تاپناک خویش و دین باگشت خود، می‌دیدند که این آثار جز روح خرافت و یادگار قرون گذشته است و لازم است که باقی بماند، و با بقای آنها ثابت کردند که آیین ابدی اسلام بنای سختگیری و ایجاد نصیقات ندارد.

ولی بعد از آنها دیدیم نصیقات دینی که سیاست اسپانیای مسیحی طی قرون بعدی پیش گرفت چقدر اسراف انگیز و تمسب‌آور بود. نصیقاتی که شامل محروم‌نابودی کلیه آثار اسلامی اندلس مانند مساجد و قصرها و آثار پر شکوه دیگر بود.

گذشته از جنبه تمسب دینی، علت دیگر هم موجب از میان بردن آثار اسلامی اسپانیا بود و آن این بود که ملت غالب نمیخواست چیزی از آثار پر شکوه ملت مغلوب باقی بماند و یاد آنها را در دلها زنده نگاهدارد، و نسل‌های بعد تماشاگر مجد و عظمت آنها باشد. چنانکه امروز بعضی اقصی‌ها و آتاری که ادرست‌ها باقی مانده است، صاحب‌اصحاب و تحسین ابدان روشن نسل حاضر اسپانیا گشته و مثلا از تماشاخانه‌ها، اشیا و قصرها را بی‌ارزش و مستحق‌حاشا قریبه سابقه تمدن عظیم اسلامی اسپانیا را در دوران فرمانروائی مسلمانان در آثار آنها تجدید میکند.

(بقیه از صفحه ۸)

یثربین افراد دنیا طلب نه تنها موقع فرارسیدن اجل، آرزوی تاخیر دارند، بلکه وقتی کام دسرای دیگر نهادند، و پرده‌های خیل و غلبه نظام چشم‌گوش آنها باز شد، آرزوی بازگشت به دنیا را نموده و چنین میگویند: *ترجم علوم انسانی*
ربنا اجسرنا و سمعنا فارجعنا نعمل صالحا انما موقنون (سوره ۱۲) یعنی هر چه کارنامه در این سرا حقائق را دیدیم و شنیدیم سارا بازگردان تا کار یک انجام دهیم. و الا اکنون باین حقائق یقین داریم.

قرآن هنگام دستور انطاق کلمه در رقنا کمه (از آنچه ما به شما داده‌ایم انفاق کنید) بکار برده است، و نکته آن اینست که انفاق کنندگان را متوجه سازد که در این کار متنی بر قهرمان ندارد. زیرا امالی را که در اختیار دارند از آن خود آنها نیست، بلکه مالی است که خداوند در اختیار آنها گذاشته است.